

نقش آموزش در پیشگیری جامعه‌مدار از نقض حقوق شهروندی توسط ضابطان دادگستری

تاریخ دریافت: ۹۶/۴/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۶/۷/۱۲

مهدی صبوری پور^۱، سارا جلیل‌وند^۲

از صفحه ۱۶۷ تا ۱۹۴

چکیده

زمینه و هدف: مهارت‌های و داشتن جامعه‌ای که نرخ ارتکاب جرم در آن کم باشد، از جمله دغدغه‌های دیرین بشر است. این موضوع در مورد جرایم علیه حقوق شهروندی آنگاه که مرتکبان آن کنش‌گران عدالت‌کفری، از جمله ضابطان عام دادگستری هستند، اهمیت بیشتری می‌یابد. برای رسیدن به این مهم، تاکنون انواع تدبیرهای قهرآمیز و غیر قهرآمیز اتخاذ شده است. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در کنار تدابیر کیفری و قهرآمیز، در اقدامی پسندیده از افزایش آگاهی ضابطان دادگستری و آموزش آن‌ها سخن به میان آورده است. هدف پژوهش حاضر نیز، بررسی میزان اهمیت نقش آموزش در پیشگیری جامعه‌مدار از نقض حقوق شهروندی و ارائه راهکارهایی برای کاهش نرخ نقض حقوق شهروندی است.

روش: این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته و جمع‌آوری مطالب نیز با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای انجام شده است.

یافته‌ها و نتایج: نقش آموزش در سه حوزه قانون، حقوق شهروندی و اخلاق حرفه‌ای در پیشگیری از نقض حقوق شهروندی در قالب تدابیر پیشگیرانه جامعه‌مدار قابل بررسی است، زیرا یکی از اهداف پیشگیری جامعه‌مدار، سالم‌سازی فرایند جامعه‌پذیری اشخاص است. از این رو، با اتخاذ تدابیر آموزشی-پرورشی و دخالت در سامانه‌ی شخصیتی افراد و رفع خلأهای رفتاری آنها می‌توان از نقض حقوق شهروندی توسط ضابطان دادگستری پیشگیری کرد.

کلیدواژه‌ها: حقوق شهروندی، ضابطان عام دادگستری، پیشگیری جامعه‌مدار، آموزش.

۱. استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

m_sabooripour@sbu.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، sarajalilvand90@yahoo.com

مقدمه

واژه‌ی شهروند در ادبیات ایران واژه‌ای نو محسوب می‌شود، این در حالی است که قرآن، که می‌توان آن را خاستگاه حقوق شهروندی دانست، همواره به حقوق شهروندی و برابری شهروندان تأکید داشته و تنها عامل برابری نزد خداوند تقوا اعلام شده است (سوره مبارکه حجرات/ آیه ۱۳). همچنین بر اساس دیدگاه حضرت علی (ع) در نهج البلاغه، حکومت زمانی واجد اعتبار می‌گردد که وسیله‌ای در راستای حفظ حرمت انسانی، حقوق شهروندی، عدالت و برابری باشد (پورطهماسبی و تاجور، ۹۰: ۲۱). به علاوه، فقه اهل بیت (ع) به جهت توجه خاصی که به رعایت کرامت ذاتی انسان‌ها و عدالت دارد، در تضمین و ارتقاء حقوق اساسی مردم نقش اساسی دارد (صداقت، ۸۹: ۱۶-۱۵). همچنین در صحیفه امام خمینی (ره) پس از واژه اسلام، دومین واژه پرکاربرد، ملت است و این امر نشان‌دهنده میزان اهمیتی است که ایشان برای شهروند و شهروندی قائل بوده‌اند (موسوی بجنوردی و مهریزی ثانی، ۹۲: ۲).

در نظام حقوقی اسلامی، شهروند - عرب یا عجم - شخصی است که به نحو یکسان از حقوق و امتیازاتی برخوردار است و در مقابل تکالیفی بر عهده دارد. به عبارت بهتر در اسلام حق و تکلیف با هم ملازمه دارند. با لحاظ این تعریف می‌توان بیان داشت شهروند شخصی حقیقی است که به جهت عضویت در یک دولت-کشور، به عنوان واحدی سیاسی، دارای حقوق سیاسی، مدنی، اجتماعی و فرهنگی است و از این رو می‌توان شهروندی را به مقوله‌ی تابعیت مرتبط کرد (اردبیلی، امیرارجمند، قاری سیدفاطمی و جاوید، ۸۶: ۲۵).

با عبور از این مقدمه کوتاه باید اشاره داشت، فرآیند کیفری پنج مرحله را شامل می‌شود: کشف جرم، تحقیقات مقدماتی، تعقیب، دادرسی و اجرای حکم (آخوندی، ۹۴: ۸۳). مرحله کشف جرم به عنوان اولین مرحله‌ی فرآیند کیفری با اقدامات ضابطان دادگستری آغاز می‌شود و به جهت آنکه نخستین نهادی است که متهم به محض ورود به چرخه‌ی عدالت کیفری با آن مواجه می‌شود، حائز اهمیت است. اتخاذ رویکرد قانون‌مداری و کرامت‌محوری در دادرسی‌های کیفری نشان‌دهنده مشروعیت

نظام عدالت کیفری و رعایت قانون‌مندی در اعمال محدودیت بر حقوق و آزادی‌های شهروندان است (رحیمی نژاد، ۸۷: ۱۶۸-۱۶۵).

مهم‌ترین مصادیق حقوق شهروندی که سایر مصادیق از آن‌ها نشأت می‌گیرند عبارتند از حق آزادی، حق عدالت اجتماعی و حق امنیت (موسوی بجنوردی و مهریزی ثانی، ۹۲: ۲۲)، حال در راستای رعایت هرچه بیشتر کرامت ذاتی انسان‌ها و حقوق شهروندی به رسمیت شناخته‌شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که ریشه در آموزه‌های اسلامی دارد (سوره مبارکه حجرات/آیه ۱۳)، در حوزه ایفای وظایف و اختیارات ضابطان دادگستری، قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و آیین‌نامه اجرایی احراز عنوان ضابط دادگستری موضوع ماده ۳۰ این قانون نیز در سال ۱۳۹۴ توسط رئیس قوه قضاییه تصویب و ابلاغ گردید.

با نگاهی عمیق به مقررات مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، اصلاحی ۱۳۹۴، به‌ویژه ماده ۷ که به موجب آن «در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است» مشخص می‌گردد که روح حاکم بر قانون عبارت است از ترویج قانون‌مداری و کرامت‌مداری میان کنش‌گران عدالت کیفری.

با این همه و با گذشت حدود سه سال از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری، هنوز هم حقوق شهروندی از سوی کنش‌گران عدالت کیفری، از جمله ضابطان عام دادگستری، نقض می‌گردد. بدین سان می‌توان گفت که صرف تأکید قانون‌گذار بر رعایت کرامت انسانی و حقوق شهروندی کفایت نمی‌کند؛ بلکه برای دستیابی به این مهم باید در کنار وضع قانون، برای اجرای بهینه قانون نیز برنامه‌ریزی کرد.

یکی از این مقرراتی که می‌تواند به رعایت هرچه بیشتر کرامت انسانی و حقوق شهروندی کمک کند، در ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، اصلاحی ۱۳۹۴، مورد اشاره قرار گرفته است. به موجب ماده ۳۰ قانون پیش‌گفته

«احراز عنوان ضابط دادگستری، علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن، منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است. تحقیقات و اقدامات صورت گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت، ممنوع و از نظر قانونی فاقد اعتبار است.» برای عملیاتی شدن این مقرر، تبصره ۱ ماده پیش گفته دادستان را مکلف کرده است تا به طور مستمر و دائم دوره‌های آموزشی حین خدمت را برای ضابطان دادگستری برپا کند. آیین‌نامه اجرایی این ماده در شهریور ماه ۱۳۹۴ به تصویب رییس قوه قضاییه رسید. بر اساس فصل دوم آیین نامه مورد اشاره، هدف از برگزاری دوره‌های آموزشی خاص ضابطان دادگستری، ارتقاء دانش حقوقی، توانمندسازی و افزایش مهارت شغلی، کمک به افزایش سطح کیفی مرحله‌ی کشف جرم در نظام دادرسی کیفری و آموزش مهارت‌های رفتاری از قبیل رعایت حقوق شهروندی و کرامت انسانی اشخاص است. شاید از توجه خاص قانون‌گذار نسبت به مقوله آموزش ضابطان دادگستری بتوان این‌گونه استنباط نمود که یکی از دلایل نقض حقوق شهروندی، عدم آگاهی ضابطان دادگستری نسبت قانون، کرامت انسانی و حقوق شهروندی و رفتارنامه‌های اخلاقی است و قانون‌گذار در راستای مقابله با این امر، مقرراتی را در حوزه آموزش ضابطان دادگستری وضع کرده است؛ زیرا بزهکاری، که به گفته امیل دورکیم پدیده‌ای نرمال و بهنجار است (نجفی ابرندآبادی، ۹۰-۸۹: ۴۶)، نمود بیرونی و نمایانگر ضعف‌ها و نقص‌های زیربنایی است.

«پیشگیری جامعه‌مدار یا محیطی که قدیمی‌ترین و رایج‌ترین شکل پیشگیری غیرکیفری بوده و مکتب تحقیقی، به ویژه آنریکو فری، نیز بر آن تاکید کرده اند، شامل اقدام‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و پیشگیرنده‌ای می‌شود که نسبت به محیط‌هایی که فرد در آنها زندگی و کار می‌کند اعمال می‌شوند» (نجفی ابرندآبادی، ۸۳: ۵۷۰). از منظر تدابیر پیشگیرانه، هدف اصلی در ساحت پیشگیری جامعه‌مدار، سالم‌سازی فرایند شکل‌گیری شخصیت افراد از طریق تأثیر بر محیط‌هایی است که فرد با آنها در تعامل است. در بستر پیشگیری اجتماع‌محور از رهگذر تدابیر آموزشی و پرورشی، بستری مناسب برای شکل‌گیری درست شخصیت افراد فراهم می‌آید. در

نتیجه، این نوع پیشگیری «آموزش و پرورش» محور می‌باشد (ابراهیمی، ۹۳: ۶۱). بدین سان، برای مبارزه با عوامل فردی و اجتماعی بزهکاری که ریشه در نقص فرآیند جامعه‌پذیری متأثر از آسیب‌های آموزشی، فرهنگی و ... دارد، بهتر است به پیشگیری جامعه‌مدار متوسل شد (جندلی، ۹۳: ۶۳). پیشگیری اجتماع‌مدار از یک سو آموزش محور و از سوی دیگر شخصیت‌محور است، زیرا بر این مبنا استوار می‌باشد که فرآیند جامعه‌پذیری فرد به درستی سپری نشده‌است؛ حال برای رفع خلأهای فردی و شخصیتی باید به برنامه‌های تربیتی و آموزشی تکیه کرد (نیازپور ۹۳: ۹۴) تا از این رهگذر اهداف این نوع پیشگیری از جمله تشویق افراد به تغییر موضع از هنجارشکنی به هنجارگرایی و مقاوم‌سازی افراد در برابر وسوسه‌های بزهکاری، تامین گردد (ابراهیمی، ۹۳: ۶۳).

از این رو، با توجه به هدف پژوهش حاضر، که بررسی نقش آموزش در پیشگیری جامعه‌مدار از نقض حقوق شهروندی از سوی ضابطان دادگستری است، در ادامه این نوشتار و در بخش مبانی نظری، تدابیر پیشگیرانه اجتماع‌محور با رویکردی آموزشی در دو بند بیان می‌گردد که عبارت‌اند از آموزش قانون و حقوق شهروندی (بند نخست) و آموزش اخلاق حرفه‌ای (بند دوم).

مبانی نظری

۱. آموزش قانون و حقوق شهروندی

لازمه رعایت قانون و حقوق شهروندی، آموزش این موارد به کنش‌گران عدالت‌کیفری از جمله ضابطان دادگستری است، زیرا سبب می‌گردد که با ایجاد فرهنگ و روحیه قانون‌گرایی و کرامت‌محوری، ضابطان اقدامات خود را از چارچوب قانون فراتر نبرده و به حقوق شهروندی تعدی ننمایند. اما در کنار توجه به آموزش، کیفیت برنامه‌های آموزشی نیز از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. از این رو، مطالب این گفتار در دو بند که عبارتند از: ضرورت آموزش قانون و حقوق شهروندی به ضابطان دادگستری (بند نخست) و کیفیت آموزش آنها (بند دوم) ارائه می‌گردد.

۱-۱. ضرورت آموزش قانون و حقوق شهروندی به ضابطان دادگستری

امروزه مشکلات قانون‌گذاری تا حدی رفع شده، اما آنچه در قانون‌گرایی و رعایت

کرامت انسانی و حقوق شهروندی از سوی کنش‌گران عدالت کیفری، از جمله ضابطان دادگستری، نقش عمده‌ای بازی می‌کند، آموزش قانون و حقوق شهروندی به آنها است.

بدون تردید، یکی از حقوق بنیادین انسان‌ها، حق بر آموزش و پرورش است. این مهم در اسناد بین‌المللی از جمله ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد تصریح قرار گرفته است. بر اساس این ماده «کشورهای مزبور موافقت می‌کنند که هدف آموزش و پرورش باید رشد کامل شخصیت انسانی و احساس حیثیت آن و تقویت احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد. علاوه بر این دولت‌های عضو این میثاق موافقت می‌کنند که آموزش و پرورش باید کلیه افراد را برای ایفای نقش سودمند در یک جامعه آزاد آماده سازد و موجبات تفاهم و تساهل و دوستی بین کلیه ملل و کلیه گروه‌های نژادی - قومی یا مذهبی را فراهم آورد و توسعه فعالیت‌های سازمان ملل متحد را به منظور حفظ صلح تشویق نماید.»

از این رو، ارتقاء و تعالی حقوق و آزادی‌های بنیادین و اساسی انسان‌ها به عنوان هدف آموزش و پرورش، نشان دهنده درک کشورهای عضو از نقش مهم و کلیدی آموزش و پرورش در بسترسازی فرهنگی برای محیطی انسانی دارد (قاری سید فاطمی، ۱۳۹۶: ۸۹).

همچنین قانون اساسی ایران در اصول متعدد به حق آموزش و پرورش تصریح کرده است. اصل سوم این قانون مقرر می‌دارد: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد: ۱- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی. ۲- بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسائل دیگر. ...»

به علاوه ماده ۷۹ منشور حقوق شهروندی که در تاریخ ۱۳۹۵/۹/۲۹ توسط رئیس‌جمهور منتشر شد، در رابطه با حق بر آموزش مقرر می‌دارد: «حق شهروندان است که از آموزش‌های لازم درباره مشاغل بهره‌مند شوند.»

آموزش ضابطان دادگستری تا آنجا واجد اهمیت است که مواد ۱۸ تا ۲۱ اصول اساسی استفاده از زور و اسلحه توسط ضابطان دادگستری، مصوب هشتمین کنگره سازمان ملل متحد برای پیشگیری از جرایم و رفتار با مجرمین (هاوانا، ۱۹۹۰) به این مهم اختصاص یافته است.

در صورتی که ضابطان دادگستری دانش قانونی لازم را به دست بیاورند و آن را وارد حرفه خود نمایند، می‌توانند از آن دانش حقوقی برای بهبود و ارتقای کیفی عملکرد خود استفاده نمایند، خدمات بهتری به جامعه ارائه دهند و وظایف خود را در چارچوبی ایمن و کارآمد انجام دهند (Haberfeld, 2012: 1).

در سطح کلان و قانون‌گذاری توجه به اصل کیفی بودن^۱ قوانین کیفری در کنار اصل قانونی بودن^۲ جرم حائز اهمیت فراوان است. از جمله آثار اصل کیفی بودن می‌توان به قابلیت پیش‌بینی قانون^۳، مبهم و دوپهلو نبودن قانون^۴ و قابلیت دسترسی قانون^۵ اشاره داشت. قانون باید به گونه‌ای وضع شود که تابعان آن بتوانند به سهولت از عواقب کیفری و حقوقی اعمال خود آگاهی یابند، تا حد امکان موضوعات کیفری به نحو صریح در قانون گنجانده شود تا نیاز به توسل به تفسیر و اعمال سلیق شخصی نباشد، همچنین قانون باید در دسترس تمام افراد باشد؛ بدین معنا که تابعان قانون همواره و در هر مکان علاوه بر دسترسی فیزیکی به متن قانون، از مفاد و روح قانون نیز آگاه باشند (نجفی ابرندآبادی، ۹۲: ۱۴).

در راستای نیل به اصل کیفی بودن قوانین کیفری، سیاست‌های آموزشی به قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ورود یافت. بر اساس تبصره یک ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، دادستان به لحاظ قانونی مکلف شده است تا دوره‌های آموزشی حین خدمت را برای کسب مهارت‌های لازم و ایفای وظایف قانونی برای ضابطان دادگستری برگزار نماید تا بر اساس ماده ۶ آیین‌نامه اجرایی احراز عنوان ضابط دادگستری مصوب ۱۳۹۴، ضابطان دادگستری به توانایی‌های لازم از جمله

1. Quality
2. Legality
3. Predictability
4. Precision
5. Accessibility

آشنایی با اصول دادرسی منصفانه، موضوعات مهم و اساسی حقوق کیفری ماهوی، توانایی تشخیص و تفکیک جرایم مشهود از غیر مشهود و آگاهی از مسئولیت کیفری و مدنی ناشی از اعمال زیان بار خود دست یابند.

واضح است که اگر دادستان به تکلیف قانونی خود وفادار باشد، امکانات و بودجه کافی برای این امر تخصیص پیدا کند، دوره‌های آموزشی به صورت مستمر و مرتب برگزار شود و در کنار مسائل کمی، کیفیت و محتوای آموزشی دغدغه دست‌اندرکاران باشد، فرهنگ و روحیه قانون‌مداری بین ضابطان دادگستری ترویج و توسعه می‌یابد.

آنچه که در کنار آموزش قانون به ضابطان دادگستری مهم می‌نماید، آموزش رعایت حقوق شهروندی و برخورد کرامت‌مدارانه با شهروندان توسط ضابطان دادگستری است. در ماده ۷ منشور حقوق شهروندی آمده است: «شهروندان از کرامت انسانی و تمامی مزایای پیش‌بینی‌شده در قوانین و مقررات به نحو یکسان بهره‌مندند.»

از مهم‌ترین وظایف ضابطان دادگستری، کشف جرم، جمع‌آوری ادله وقوع جرم و شناسایی متهم است. شهروندان از ضابطان دادگستری انتظار دارند که وظایف خود را در کمال بی‌طرفی انجام دهند و این امر ممکن نیست مگر با رعایت کرامت انسانی از سوی ضابطان شهروندمدار (بیرانوند، کوشا، هاشمی و رنجبر، ۸۹: ۲۰۳).

کرامت انسانی قلب هویت بشر و مبنای حق‌های اساسی بشری است. رعایت اصل حاکمیت قانون و دیگر اصول حاکم بر دادرسی منصفانه وابسته به رعایت کرامت انسانی و حق‌های بشری می‌باشد (Solis, 2008: 161). در ساحت اصل حاکمیت قانون، دولت قانون‌مدار - در مقابل دولت تکلیف‌مدار - مطرح می‌شود. در دولت قانون‌مدار رابطه دوسویه بین دولت و شهروندان بر مدار اصول و قواعد حقوقی تنظیم می‌گردد (امیرارجمند، ۸۱: ۷۵). همچنین، اهمیت رعایت کرامت انسانی تا جایی است که در مقدمه قانون اساسی، آزادی و کرامت اینای بشر سرلوحه اهداف قانون اساسی مطرح می‌شود و بر اساس اصل نوزدهم از همین قانون «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.»

در نظام‌های کیفری مبتنی بر الگوی دادرسی منصفانه، رعایت تشریفات قانونی و کرامت انسانی بازیگران دعوای کیفری از جمله متهم، مبنای تحقق عدالت در فرایند کیفری است. لذا ادله‌ای که بدون توجه به این دو مولفه تحصیل شده باشند، فاقد ارزش و اعتبار است (صبوری پور ۹۴: ۱۳۰). پس ضابطان دادگستری به عنوان مأموران دولت باید همواره اقدامات خود را در چارچوب برآورده ساختن اهداف قانون اساسی از جمله رعایت کرامت انسانی و حقوق شهروندی انجام دهند.

کشف جرم، شناسایی متهم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم از وظایف مسلم ضابطان دادگستری می‌باشد که در ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری به آنها تصریح شده است. ضابطان دادگستری باید با این وظایف قانونی آشنا باشند و در راستای آماده سازی بهینه پرونده کیفری برای تحقیقات مقدماتی و تعقیب کیفری گام بردارند. حال آنچه واجد اهمیت و توجه می‌باشد، چگونگی ایفاء وظایف قانونی است. آیا ضابطان به هر قیمتی می‌توانند متهم را شناسایی کنند یا باید اقدامات خود را مبتنی بر رفتار کرامت‌مدارانه کنند؟ آری، نتیجه‌محوری در فرایند کیفری در بسیاری از موارد منجر به نقض کرامت انسانی می‌شود. برای مثال، ضابط برای آنکه زودتر به نتیجه برسد، مظنون/متهم را تحت فشار جسمانی و روانی قرار می‌دهد، از اسلحه خود سوءاستفاده می‌کند و قدرت خود را دست‌مایه کشف واقعیت قرار می‌دهد، واقعیتی که شاید اثبات خلاف آن برای متهمی که سلاحی نابرابر نسبت به ضابط دارد، بسی دشوار باشد. اگر ضابطان دادگستری وظایف خود را به درستی انجام دهند، از یک سو حقوق و آزادی‌های اساسی افراد حفظ می‌شود و از سوی دیگر، عدالت در فرایند کیفری به طور صحیح رعایت می‌گردد.

همچنین، باید به این نکته اذعان داشت که احتمال نقض حقوق متهم و شهروندان در مراحل ابتدایی تشکیل پرونده کیفری توسط ضابطان دادگستری بالا می‌باشد و در بسیاری از موارد نخستین تعرض به متهم و بزه‌دیده در فرایند کیفری از سوی ضابطان دادگستری ثبت می‌شود. بنابراین ضابطان دادگستری باید در کنار آشنایی و آگاهی از قوانین و مقررات، با حقوق شهروندی و رفتار کرامت‌مدار آشنا شوند. اگر ضابطان دادگستری آموزش‌های لازم را در این باره ندیده باشند و دوره‌های آموزشی

برای ایشان به نحو مستمر برگزار نشده باشد، انتظار از ضابطان دادگستری برای رعایت کرامت انسانی اشخاص و حقوق شهروندی انتظار به جایی نخواهد بود.

همچنین، دادن تضمین به شهروندان مبنی بر این‌که قانون در مورد آنها به نحو یکسان اعمال می‌شود یکی از بنیادی‌ترین اصول حقوق بشری در جوامع دموکراتیک است. رفتار ناعادلانه از سوی پلیس به دلیل وضعیت اقتصادی، مذهب، نژاد، جنسیت و امثال این‌ها باعث شکل‌گیری تبعیض می‌شود (روبولوسکی و ام. هس، ۱۳۹۲: ۵۲۸).

در کشوری همچون ایران به دلیل چند فرهنگی و چند قومیتی بودن، یکی از نتایج مهم رعایت کرامت انسانی در ایفاء وظایف قانونی از سوی ضابطان دادگستری، برخورد توأم با رواداری و تساهل ضابطانی است که برای مثال از شهرهای مرزی به تهران مهاجرت کرده و مشغول ایفاء تکالیف هستند. در واقع با آموزش رعایت رفتار کرامت‌مدار با شهروندان، دیگر فرقی نمی‌کند مخاطب ضابط هم کیش وی باشد یا متعلق به فرهنگی دیگر با آداب و رسوم متفاوت، دیگر فرقی نمی‌کند شهروند ایرانی باشد یا افغان، متدین باشد یا نه، زن باشد یا مرد و مانند این‌ها؛ زیرا ضابطان دادگستری یادگرفته‌اند و این روحیه را در خود درونی کرده‌اند که انسان‌ها فارغ از رنگ، نژاد، جنسیت و ... با هم برابرند. ماده ۱۰ منشور حقوق شهروندی نیز در این مورد مقرر می‌دارد: «توهین، تحقیر یا ایجاد تنفر نسبت به قومیت‌ها و پیروان ادیان و مذاهب و گروه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی، ممنوع است.» لذا با توجه به عدم رعایت بومی‌گزینی در استخدام ضابطان دادگستری و مشکلات متعاقب آن که پیش‌تر ذکر آن رفت، آموزش رعایت رفتار کرامت‌مدارانه می‌تواند تا حد مطلوبی از بروز نتایج زیانبار این سیاست نادرست، یعنی عدم بومی‌گزینی، پیشگیری کند.

بر همین اساس قانون‌گذار در میان مواد قانون آیین دادرسی کیفری از جمله ماده ۳۰ این قانون به آموزش ضابطان دادگستری توجه ویژه‌ای نشان داده است، همچنین طبق بند ۵ ماده‌ی ۵ آیین‌نامه اجرایی احراز عنوان ضابط دادگستری مصوب ۱۳۹۴، یکی از اهداف برگزاری دوره‌های آموزشی برای ضابطان دادگستری آموزش مهارت‌های رفتاری از قبیل رعایت حقوق شهروندی و کرامت انسانی اشخاص است. لذا ضابطین قضایی نیازمند آموزش مناسب و کافی در زمینه حقوق شهروندی و

کرامت انسانی می‌باشند. با آموزش حقوق شهروندی به ضابطان دادگستری و آشنایی آنها با اعلامیه‌ها و اسناد مرتبط به حقوق بشر، آنها مهارت‌های لازم را برای رفتاری شایسته، انسانی و منطبق با اصول حقوق بشری با سایر شهروندان از جمله متهم به دست می‌آورند (بنانج، ۱۳۹۳: ۲۷۱).

توسل به برنامه‌های آموزشی سبب می‌گردد که نیروی انسانی کار آزموده و کرامت‌مدار، حقوق بازیگران دعوای کیفری و سایر شهروندان را رعایت کنند. از این رو، نرخ جرایم علیه حقوق شهروندی و کرامت انسانی از سوی ضابطان دادگستری کاهش می‌یابد، زیرا از جمله آثار رعایت کرامت انسانی و حقوق شهروندی، عدم شکنجه افراد، عدم مجازات خودسرانه و رعایت اصل برائت است و در مقابل آثار سلب خودسرانه‌ی آزادی چیزی جز نقض امنیت فردی-اجتماعی شهروندان، ترویج فرهنگ قانون‌گریزی و گسست تعامل شهروندان با ضابطان نخواهد بود (کاظمی جویباری، ۱۳۸۸: ۳۳). به عبارت بهتر، دوره‌های آموزشی پیش از خدمت و حین خدمت باعث می‌شود فرایند جامعه‌پذیری و شکل‌گیری شخصیت هنجارمند و مبتنی بر مولفه‌های اخلاقی با سرعت بیشتری سپری شود. بنابراین، با تقویت روحیه کرامت‌مداری و رعایت حقوق شهروندی در ذهنیت ضابطان دادگستری، از اِعمال سلابق شخصی، سوءاستفاده از قدرت، اِعمال خشونت، ایذاء اشخاص نظیر بستن چشم و سایر اعضاء، تحقیر و تهدید آنها در جریان دستگیری و بازجویی، شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار وی، پوشاندن صورت و نشستن پشت سر متهم از سوی بازجویان و ماموران تحقیق و بردن افراد به مکان‌های نامعلوم پیشگیری به عمل آید و مهم‌تر آن‌که، جریان بازپذیرسازی اجتماعی متهم از مسیر خود خارج نشود و وی بیش از پیش قانون‌گریز و ضد اجتماعی نگردد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸: ۲۱). همچنین، حیثیت شخصی، خانوادگی و اجتماعی اشخاص در معرض تعرض قرار نمی‌گیرد، بزه‌دیده دچار بزه‌دیدگی ثانویه^۱ نمی‌شود، بزه‌کار که به دلیل ارتکاب بزه وارد سامانه عدالت کیفری شده است، خود قربانی عملکرد ضعیف ضابطان قضایی در حیطه اخلاق

1. Secondary Victimization

حرفه‌ای و رفتار کرامت‌مدار نمی‌گردد و شهروندانِ ناکرده بزه به دلیل اشتباهات رفتاری ضابطان، نسبت به عملکرد دستگاه عدالت کیفری دچار نوعی تعارض نمی‌شوند و اعتماد خود را نسبت به دستگاه عدالت کیفری حفظ می‌کنند. بدین سان، رفتار کرامت‌مدار و انسانی با بزه‌کار زمینه‌های اصلاح و درمان وی را فراهم می‌آورد و از تکرار جرم از سوی وی جلوگیری می‌کند. همچنین، از منظر روانشناختی، اجرای حقوق شهروندی مانع شیوع اختلالات روانی و ناپهنجاری‌های اجتماعی که بسترساز جرم هستند، می‌گردد و باعث افزایش تعاملات مردم و حکومت می‌شود (شاهرخی و مرادی، ۱۳۸۴: ۳۲).

اما همان‌طور که پیش از این بیان شد، نکته حائز اهمیت در خصوص آموزش ضابطان دادگستری، کیفیت آموزش است که در بند آتی بررسی می‌گردد.

۲-۱. کیفیت آموزش قانون و حقوق شهروندی به ضابطان دادگستری

آنچه در رابطه با آموزش ضابطان دادگستری باید مورد توجه قرار گیرد، نحوه و سبک آموزش است، زیرا بنا است از رهگذر برنامه‌های آموزشی، خلأهای رفتاری و شخصیتی ضابطان دادگستری پر شود و به نوعی در حوزه شغل و حرفه خود جامعه‌پذیر شوند. بدین سان، محتوای آموزشی، که همانا اصول مندرج در قانون اساسی، مقررات مذکور در قوانین آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، اصلاحی ۱۳۹۴ و قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ و همچنین آیین‌نامه اجرایی احراز عنوان ضابط دادگستری مصوب ۱۳۹۴ است را به طرق مختلف می‌توان به ضابطان دادگستری تعلیم داد که در ادامه مورد اشاره قرار می‌گیرند.

۱-۲-۱. گذراندن دوره چهار ساله در دانشگاه‌های علوم انتظامی

ضابطان عام شامل فرماندهان، افسران و درجه‌داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران هستند که آموزش لازم را دیده باشند.^۱ در حال حاضر، جذب اشخاص در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به عنوان ضابطان دادگستری از دو مسیر ممکن است؛ گزینش ناجا و دانشگاه‌های علوم انتظامی. حال برای بهبود شرایط و

۱. ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

عملکرد ضابطان دادگستری شایسته است استخدام ضابطان دادگستری منوط و مشروط به گذراندن دوره تحصیلی چهارساله در دانشگاه‌های علوم انتظامی گردد، زیرا داشتن بنیه‌ی علمی قوی در قانون‌گرایی اشخاص سهم و نقش عمده‌ای دارد و ملاحظه‌ی شرایط استخدام نیروی پلیس در کشورهای پیشرفته حاکی از آن است که به طور جد بر این مساله توجه خاص نشان داده‌اند. برای مثال در سازمان تحقیقات فدرال امریکا (FBI)، داشتن مدرکی دال بر گذراندن دوره چهار ساله در کالج یا دانشگاهی که از سوی وزارت علوم این کشور معتبر شناخته شده، از شروط اولیه پذیرش در این سازمان اعلام شده است (<http://www.fbiagentedu.org/fbi-requirements/>).

در این دوره چهارساله، اصول مندرج در قانون اساسی از جمله اصل برابری، برائت و منع شکنجه و همچنین اصول مرتبط با رعایت کرامت انسانی و قانون‌گرایی، شاخص‌های دادرسی منصفانه مندرج در مواد دو تا شش این قانون، ساختار و تشکیلات سامانه‌ی عدالت کیفری، آیین دادرسی کیفری از جمله مقررات ناظر بر جرائم مشهود و غیرمشهود، حقوق جزای عمومی و اختصاصی از جمله تعریف جرم و عناصر آن، شرایط و موانع مسئولیت کیفری، نحوه‌ی به کارگیری سلاح، نحوه مصاحبه و بازجویی از مرتکبین جرائم مختلف از جمله قتل، سرقت، آدم ربایی، جرائم جنسی، جرائم علیه کودکان، جرائم سازمان‌یافته، چگونگی تنظیم گزارش و صورت‌مجلس، کیفیت گرفتن اثر انگشت از متهم، مهارت‌های رفتاری، چگونگی کنترل خشم و استرس، به لحاظ وجود تنوع فرهنگی در ایران، بیان ویژگی‌ها و حساسیت‌های اقوام مختلف، تکنیک‌های ارتباطی و پیشگیری از وقوع جرم، نظریه‌های مطرح در جرم‌شناسی از جمله نظریه‌ی برچسب‌زنی و همچنین برنامه‌های جبران خسارت از بزه‌دیده می‌بایست توسط استادان با تجربه در حوزه حقوق اساسی، حقوق جزا، جرم‌شناسی، روانشناسی و جامعه‌شناسی به ضابطان دادگستری آموزش داده شود تا در کنار افزایش دانش حقوقی ضابطان دادگستری، مهارت‌های رفتاری آنها از جمله در زمینه رعایت حقوق شهروندی و کرامت انسانی ارتقا یابد.

۲-۱. برگزاری دوره‌های آموزشی حین خدمت

بر اساس آنچه در ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است، «احراز عنوان ضابط دادگستری، ... منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است.» تبصره این ماده نیز مقرر داشته است: «دادستان مکلف است به طور مستمر دوره‌های آموزشی حین خدمت را جهت کسب مهارت‌های لازم و ایفاء وظایف قانونی برای ضابطان دادگستری برگزار کند.» همچنین در آیین نامه اجرایی احراز عنوان ضابط دادگستری مصوب ۱۳۹۴ و به طور خاص در مواد (۱) (بند پ)، ۵ و ۸ به برگزاری دوره‌های آموزش ضمن خدمت برای ضابطان دادگستری و آشنایی آنها با مهارت‌های رفتاری از جمله رعایت حقوق شهروندی و کرامت انسانی توجه ویژه‌ای شده است.

بدون تردید، اتخاذ چنین سیاستی از سوی قانون‌گذار ریشه در آموزه‌های جرم‌شناسی دارد؛ چه اینکه با ارائه آموزش‌های لازم به ضابطان دادگستری علاوه بر آگاه‌سازی آنها با مقررات و قوانین جدید، آشنایی آنها با وظایف‌شان و در نهایت ارتقاء دانش حقوقی آنها، به لحاظ ایجاد روحیه اخلاق‌مداری، کرامت‌محوری و به طور کلی تفکری جرم‌شناسانه، فرایند جامعه‌پذیری ضابطان قضایی را در حیطه انجام وظایف تسهیل می‌بخشد و چه بسا درونی‌سازی چنین طرز تفکر و بینشی از سوی ضابطان دادگستری خلأها و ابهامات قانونی را جبران نماید.

از این رو، ضابطان دادگستری که از جمله وظایف آنها پیشگیری از جرم است (جندلی، ۱۳۹۳: ۵۴-۵۲)، به جهت قرار گرفتن مستمر (برای مثال هر سه ماه یک بار) در دوره‌های آموزشی، نه تنها از وقوع سایر جرائم پیشگیری می‌کنند، بلکه خود نیز قانون و حقوق شهروندی را به درستی پاس می‌دارند.

بنا بر این با برگزاری دوره‌های آموزشی به نحو مستمر توسط مقام قضایی از یک سو، روحیه‌ی قانون‌گرایی و حفظ حقوق شهروندی در ضابطان دادگستری تقویت می‌گردد و از سوی دیگر، ضابطان دادگستری به صورت مداوم در جریان تغییرات قانون، آراء وحدت رویه و نظریه‌های مشورتی قرار می‌گیرند. در کنار آموزش این موارد، شایسته است میزگردهای حقوقی برای تحلیل پرونده‌هایی که موضوع آنها

نقض حقوق شهروندی از سوی ضابطان دادگستری بوده است، برگزار گردد. برای این منظور استفاده از ظرفیت علمی قضات با تجربه بسیار راهگشا خواهد بود. در واقع، قضات مجرب با واکاوی پرونده‌هایی که موضوع آنها نقض حقوق شهروندی از سوی ضابطان دادگستری بوده است، به صورت عملی به ضابطان دادگستری بفهمانند منظور از نقض حقوق شهروندان در عرصه عمل چیست تا از این رهگذر با جزئیات نقض حقوق شهروندی و کرامت انسانی آشنا شده و در اقدامات خود آنها را تکرار نکنند.

همچنین لازم است مقامات قضایی مربوطه در پایان هر دوره، با گرفتن آزمون‌های تستی و تشریحی-تحلیلی سطح فراگیری ایشان را از قانون محک بزنند و در صورت قبولی به آنها گواهی شرکت در دوره‌های آموزشی اعطاء گردد. زیرا آموزش مستمر و مداوم نیروی کار نوعی سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی است که همواره دارای بازدهی‌های مثبت می‌باشد (بهرام زاده و سراج، ۱۳۸۶: ۲۲).

همچنین بهتر است برای بهبود سیستم آموزشی، تمام آموزش‌های ارائه شده به ضابطان دادگستری به صورت مکتوب ثبت شود و اسناد آن نگهداری شود (بنت و هس، ۱۳۷۹: ۲۱۳)؛ این امر سبب می‌شود به دلیل نظارتی که وجود دارد متولی برگزاری دوره‌های آموزشی کیفیت آموزش را در سطح بالا حفظ کند.^۱

بنابراین، سازمان ضابطین باید برنامه‌های آموزشی را سرلوحه کار خود قرار دهد زیرا غفلت از آموزش قانون به منابع انسانی در هر سازمانی مساوی است با آسیبی جبران‌ناپذیر بر پیکره آن سازمان و عدم رعایت حقوق شهروندان (وروایی، بهرامی‌پور و محمدی، ۱۳۹۳: ۴).

همچنین، به جهت برگزاری دوره‌های آموزش قانون به ضابطان دادگستری، ایشان که دارای روحیه قانون‌گرایی شده‌اند بیش از پیش برای ارتقاء دانش حقوقی خود تلاش می‌کنند. زیرا در صورت فقدان روحیه قانون‌مداری و قانون‌گرایی، آموزش در

۱. بر اساس ماده ۱۶ آیین‌نامه اجرای احراز عنوان ضابط دادگستری، واحد نظارت و ارزیابی آموزش ضابطان دادگستری در دادستانی کل کشور تشکیل می‌شود.

این حوزه راه‌گشا نخواهد بود. پس ضابطان به عنوان بازوان اجرایی عدالت کیفری باید هم‌سو با برنامه‌های آموزشی خود نیز فرهنگ قانون‌مداری را در خود تقویت کنند. در کنار آموزش قانون و حقوق شهروندی و کرامت انسانی، آموزش اخلاق حرفه‌ای و پایبندی به رفتارنامه‌های اخلاقی از سوی ضابطان دادگستری می‌تواند نقش به‌سزایی در پیشگیری جامعه‌مدار از نقض حقوق شهروندی داشته باشد که در گفتار آتی به این مهم پرداخته می‌شود.

۲. آموزش اخلاق حرفه‌ای

به صورت کلی باید گفت محیط‌های پیرامونی افراد نقش مهمی در بزه‌کاری دارد، حال با تغییر در این محیط‌ها از جمله محیط‌هایی که در آموزش افراد نقش مهمی دارند، می‌توان مانع گرایش اشخاص به بزه‌کاری شد. به همین دلیل در قالب پیشگیری جامعه‌مدار، می‌توان بر آموزش اخلاق حرفه‌ای به ضابطان دادگستری نیز تمرکز کرد. در واقع یکی از جلوه‌های پیشگیری محیطی، که فردمحور و شخصیت‌مدار می‌باشد، توجه به بازدارنده‌های درونی و پایبندی به اصول اخلاق حرفه‌ای است. این موضوع در رفتارنامه اخلاقی مجریان قانونی^۱ مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد (۱۷ دسامبر ۱۹۷۹) مورد اشاره و تاکید قرار گرفته است. بر اساس ماده ۲ این رفتارنامه «ضابطین دادگستری در ایفاء وظایف خود باید به حیثیت انسانی کلیه اشخاص احترام گذارند و آن را حفظ کنند و از حقوق انسانی کلیه اشخاص حمایت و پشتیبانی کنند» (علم، ۱۳۸۴: ۳۱).

در ادامه به تعریف اخلاق حرفه‌ای و تاثیر آن بر پیشگیری از نقض حقوق شهروندی پرداخته می‌شود.

۲-۱. مفهوم اخلاق حرفه‌ای

منظور از اخلاق حرفه‌ای ضابطان دادگستری، مسئولیت اخلاقی آنها از منظر شغل است (عالمی، ۱۳۸۷: ۲۸). به عبارتی هر شغلی به اقتضای شرایط خود مسئولیت‌های اخلاقی ویژه‌ای می‌آفریند. لذا اخلاق در این معنا وابسته به شغل است و با توجه به

1. Code of Conduct for Law Enforcement Officials

مشاغل مختلف، اصول اخلاقی متفاوتی هم وجود دارد همچون اخلاق پزشکیان، اخلاق معلمان، اخلاق قضات، اخلاق وکلا و اخلاق ضابطان دادگستری. حال اشخاص با توجه به نوع ارتباطی که دارند باید اصول اخلاقی خاصی را، که امروزه تحت عنوان «اخلاق حرفه‌ای» مطرح می‌شود، رعایت نمایند (حنیفی، ۱۳۹۰: ۶).

در بستر فرایند کیفری و با توجه به موضوع پژوهش حاضر، آموزش اخلاق حرفه‌ای به ضابطان دادگستری و رعایت آن از جانب آنها در مواجهه با شهروندان از الزامات رعایت حقوق شهروندی است. رعایت اخلاق حرفه‌ای سبب می‌گردد ضابطان دادگستری وظایف و اختیارات خود را به نحو صحیحی انجام دهند. همچنین با تنظیم و آموزش «رفتارنامه‌های اخلاقی» هم‌زمان با ارتقاء کیفیت رفتار ضابطان دادگستری، پاسخی کنشی و غیرقهرآمیز به نقض حقوق شهروندی داده می‌شود. در واقع مقررات رفتاری، ضابطان را به لحاظ اخلاقی و وجدانی آماده می‌کند تا مرتکب جرم نشوند و خشم خود را در موقعیت‌های مختلف کنترل نمایند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۵: ۱۸).

پس از بیان این مقدمه می‌توان گفت منظور از اخلاق حرفه‌ای، تعیین رفتار درست از نادرست بر اساس اصول حاکم بر هر شغل یا حرفه‌است؛ بنابراین اخلاق حرفه‌ای ثابت وجود ندارد، لذا هر سازمان و اداره‌ای باید بر اساس شرایط خاص خود اصول اخلاق حرفه‌ای را در قالب رفتارنامه‌های اخلاقی، کدنامه‌های رفتاری یا منشور اخلاقی تنظیم نماید.

همچنین، بر اساس تصریح قانون‌گذار در ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، ضابطان دادگستری مأمورانی هستند تحت نظارت و تعلیمات دادستان؛ پس می‌توان گفت دادستان به عنوان مدیر/رئیس ضابط دادگستری باید به او کمک کند تا مهارت‌های تصمیم‌گیری اخلاقی را ارتقاء بخشد. برای مثال دادستان برای کمک به ضابط دادگستری می‌تواند به وی پیشنهاد کند تا برای یک تصمیم‌گیری اخلاقی مراحل زیر را پیروی نماید:

- در درجه اول از قانونی بودن اقدام خود اطمینان حاصل کند.

- به نتیجه اقدام خود فکر کند، اینکه آیا رفتار وی تبدیل به استاندار رفتاری می‌شود یا خیر.

- با اندکی آینده نگری لحظه‌ی پس از اقدام خود را ببیند، ببیند که آیا از عملکرد خود مغرور می‌شود یا سرافکنده؟!

- خود را جای شهروندِ خطا کار بگذارد، آیا تمایل داشت با وی رفتاری شود که او با شهروندان می‌کند؟ در واقع آنچه برای خود می‌پسندد برای دیگران هم پسندد.

- در نهایت با یکی از همکاران خود که سابقه‌ی بیشتری دارد مشورت کند (روبلسکی و ام. هس، ۱۳۹۲: ۵۷۵).

بنابراین محیط کاری ضابطان دادگستری با مدیریت دادستان می‌تواند در کنار محیط خانواده و محیط تحصیلی نقش به‌سزایی در جامعه‌پذیری آنها از یک سو و پیشگیری از نقض حقوق شهروندی از سوی دیگر داشته باشد.

۲-۲. چگونگی تأثیر اخلاق حرفه‌ای بر کاهش موارد نقض حقوق شهروندی

تأثیر اخلاق حرفه‌ای بر پیشگیری از نقض حقوق شهروندی را می‌توان در چارچوب نظریه خودکنترلی^۱ تحلیل کرد. اخلاق حرفه‌ای بیش از هر چیز بر شخصیت افراد تأثیر می‌گذارد و سبب بروز رفتاری اخلاقی از جانب شخص می‌شود و از این رو مانع ورود وی به ورطه بزهکاری می‌گردد و در مقابل، اگر پایه‌های اخلاقی در افراد ضعیف و متزلزل باشد افراد تمایل به بروز رفتارهای ناهنجار پیدا خواهند کرد. اگر در محیط‌هایی که فرد در آن جامعه‌پذیر می‌گردد بر آموزش اصول اخلاقی تأکید شود، این امر سبب می‌گردد فرد مجهز به بازنده‌ها، موانع و پلیس باطن گشته و میزان خودکنترلی^۲ و خود انتظامی وی، هنگامی که شرایط ارتکاب جرم فراهم است، بالا رود و در مقابل ارتکاب جرم از خود مقاومت نشان دهند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳-۸۴: ۸۹ و ۸۸). بنابراین، ضابطان دادگستری به عنوان کنش‌گران عدالت کیفری که بیشترین مواجهه را با شهروندان دارند، باید اقدامات خود را با مهارت‌های رفتاری از جمله رعایت حقوق شهروندی و کرامت انسانی منطبق نمایند. داشتن

1. Self-Control Theory

2. Self-control

تعهدکاری، خستگی ناپذیری، عمل به تکلیف بدون ملاحظه‌کاری و جانبداری از یک‌طرف دعوا، تاثیر ناپذیری از تملق افراد، حسن، رفتار و گفتار، انضباط فردی، اجتناب از تهمت و خشونت از جمله موارد است که هر یک از ضابطان دادگستری باید در خود ایجاد و تقویت نماید (عبدی، ۱۳۹۲: ۷۶۰ و ۷۵۹).

در واقع هم سو با تاکید و آموزش اخلاق حرفه‌ای؛ مولفه‌های آن، که در ادامه خواهد آمد، در رفتار و گفتار ضابطان دادگستری تجلی می‌کند و از این رو نرخ جرایم علیه حقوق شهروندی از سوی ضابطان دادگستری کاهش می‌یابد.

۱-۲-۲. وجدان کاری

از آثار توجه به اخلاق حرفه‌ای بالا رفتن سطح وجدان کاری اشخاص است. "وجدان کاری را می‌توان وضعیتی دانست که در آن افراد جامعه، در مشاغل گوناگون سعی دارند تا کارهای محوله را به بهترین وجه و به طور دقیق و کامل انجام دهند" (بهرام زاده و سراج، ۱۳۸۶: ۲۲). به تعبیری وجدان کاری نوعی پلیس درونی است که انسان را در راستای انجام کار درست و رعایت اصول اخلاقی هدایت می‌کند. حال تاکید بر مقوله وجدان کاری در دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی سبب می‌گردد برخی مفاهیم و باورها از جمله صداقت، احترام، وفاداری، رفتار اصولی و پایبندی به وظایف در ضابطان دادگستری تقویت گردد و در مواجهه با شهروندان به طور عام و بزه‌کار و بزه‌دیده به طور خاص رفتار و گفتار خود را بر این باورها و مفاهیم منطبق کند تا از این رهگذر حقوق شهروندی کمتر دچار نقض گردد.

۲-۲-۲. برابری و بی‌طرفی

جلوه دیگر رعایت اخلاق حرفه‌ای، رعایت برابری و بی‌طرفی از سوی ضابطان دادگستری در برخورد با شهروندان است. اصل برابری و بی‌طرفی که در قانون اساسی، قانون آیین دادرسی کیفری و اصول حاکم بر منشور اخلاقی و اداری کارمندان دولت مصوب ۱۳۸۸ آمده است «اصل برابری: همه شهروندان در برابر قانون برابرند و باید با همه آنها در شرایط مشابه رفتار یکسان داشت. کارمندان باید در محدوده وظایف شغلی خود، امکان دسترسی برابر به خدمات دولتی را برای همه شهروندان فراهم کرده و با آنان بدون هیچ گونه تبعیض رفتار کند.»

به موجب این اصل تمام ابناء بشر از هر رنگ، جنسیت، نژاد، مذهب و آیینی که باشند برابرند. در واقع رعایت اصل برابری که ریشه در رعایت کرامت ذاتی انسان‌ها دارد باید در واکنش‌های ضابطان دادگستری در مقابل شهروندان متبلور گردد و گنجاندن این اصل در مشورهای رفتار حرفه‌ای و آموزش آن به ضابطان دادگستری سبب می‌گردد ضابطان دادگستری اگر در شرایطی با مظنون/متهمی رو به رو شدند که قشر ضعیف جامعه بود، متعلق به فرهنگ دیگری بود، زن بود یا مرد، جوان بود یا میان‌سال رفتاری برابر از جهت قانونی اتخاذ نماید.

۳-۲-۲. اصل عدم سوء استفاده از قدرت

سوء استفاده از قدرت^۱ می‌تواند جلوه‌های گوناگونی داشته باشد؛ از جمله سوء استفاده از موقعیت^۲، سوء استفاده از طریق اجرا ننمودن قانون^۳ و اعمال فراتر از اختیارات قانونی (دبیرزاده، ۹۴-۱۳۹۳: ۳۳). در واقع، به دلیل آنکه ضابطان دادگستری در مقایسه با کنشگران جرم، به طور خاص و شهروندان عادی، به طور عام به جهت اختیارات قانونی وسیعی که دارد، در موقعیتی بالاتر قرار دارد و همچنین داشتن سلاح و یونیفورم به ضابطان احساس قدرت می‌دهد، بنابر این، هر لحظه بیم سوء استفاده از این قدرت وجود دارد.

پس، در کنار سایر اصول اخلاقی توجه به اصل عدم سوء استفاده از قدرت و موقعیت شغلی و نهادینه کردن این اصل در چارچوب فکری ضابطان دادگستری نقش بسیار مهمی در حفظ حقوق شهروندی دارد.

۴-۲-۲. شهروندمداری و تکریم ارباب رجوع

می‌توان گفت در رابطه‌ی ضابطان دادگستری و شهروندان، شهروندان همچون مشتری خدمات ضابطان دادگستری هستند؛ لذا مشتری‌مداری و به تعبیری شهروندمداری رویکرد غالب نظام پلیسی گری جامعه محور است. نظام جامعه‌محوری بر مبنای اصول و شیوه‌های مدیریتی و طرح‌های سازمانی از پیش تعیین شده کمک می‌کند روش‌های موثر بر حل معمای جرم، از یک سو و مشارکت پلیس با مردم، از

1. Abuse of Power

2. Abuse of Position

3. Non enforcement of abuse of power

سوی دیگر ارتقاء یابد (مرادی ۱۳۹۲: ۶۴۲ و ۶۴۱).

بنابراین، شهروندمداری و توجه به اخلاق و حرفه‌ای‌گری از سوی ضابطان دادگستری باید در عمل رعایت گردد و دادستان‌ها به عنوان مدیران یا روسای ضابطان دادگستری، ضابطان را در راستای رعایت حقوق شهروندان راهنمایی و هدایت نمایند (محمدنس، ۱۳۹۱: ۸۹). پس تنظیم آیین نامه‌های اخلاقی برای تنظیم عملکرد صحیح از سوی ضابطان دادگستری و آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای به آنها به طور مستمر و دائم سهم و نقش عمده‌ای در ارتقاء وجدان عمومی کار، وجدان حرفه‌ای، وجدان سازمانی و خود انتظامی دارد که نتیجه این‌ها چیزی جز رعایت حقوق شهروندی نیست.

روش‌شناسی

هدف این پژوهش کاربردی و روش آن، اسنادی است. پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، منابع اینترنتی، مقالات و کتب فارسی و انگلیسی، اسناد داخلی و بین‌المللی در حوزه آموزش به ضابطان دادگستری انجام شده است. ابزار گردآوری اطلاعات، فیش‌برداری است و پژوهشگران سعی داشته‌اند به تحلیل قوانین موضوعه و در نهایت ارائه راهکار در حوزه پیشگیری از نقض حقوق شهروندی از سوی ضابطان دادگستری بپردازند.

یافته‌ها

نقض حقوق شهروندی از سوی کنشگران عدالت کیفری، از جمله ضابطان عام دادگستری، از موضوعات بحث برانگیز در جوامع محسوب می‌شود. زیرا رسالت نهادهای عدالت کیفری از جمله نهاد پلیس، اعاده نظم مخدوش شده به واسطه جرم به جامعه و در عین حال حفظ حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان است.

سیاست‌گذاران جنایی به ویژه در عرصه تقنین، بسیار تلاش می‌کنند تا با وضع مقررات و تعیین ضمانت اجراء، از نرخ جرائم علیه کرامت انسانی و حقوق شهروندی که مرتکبان آن کنشگران عدالت کیفری هستند، بکاهند. در همین راستا، برای تضمین

بیشتر حقوق شهروندی به رسمیت شناخته شده در فصل دوم قانون اساسی در قالب حقوق ملت، که دامنه‌ی وسیعی از حق‌ها را شامل می‌شود، در قوانین عادی و آیین‌نامه‌های اجرایی مقرراتی وضع گشته است. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و نیز آیین‌نامه اجرایی احراز عنوان ضابط دادگستری مصوب ۱۳۹۴، از جمله مهم‌ترین اسناد تقنینی و فروتقنینی هستند که در سال‌های اخیر به طور خاص و ویژه‌ای در جهت پاسداشت و رعایت حقوق شهروندی و کرامت انسانی، مقرراتی وضع کرده‌اند.

مهم‌ترین مقرر در رابطه با حفظ و رعایت حقوق شهروندی در ماده‌ی ۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، اصلاحی ۱۳۹۴، آمده است. این ماده مقرر می‌دارد "در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵» از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، ضروری است." یکی از ساز و کارهای لازم برای اجرایی شدن این مقررهای مترقی، در ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و تبصره‌های آن، آمده است. بر اساس این ماده "احراز عنوان ضابط دادگستری علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن، منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است. تحقیقات صورت گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت، ممنوع و از نظر قانونی فاقد اعتبار است." بر اساس تبصره‌ی یک این ماده "دادستان مکلف است به طور مستمر دوره‌های آموزشی حین خدمت را جهت کسب مهارت‌های لازم و ایفاء وظایف قانونی برای ضابطان دادگستری برقرار کند." همچنین در راستای تبصره‌ی دوم این ماده، در شهریور ماه سال ۱۳۹۴ آیین‌نامه‌ی اجرایی احراز عنوان ضابط دادگستری به تصویب رییس قوه قضاییه رسید. در این آیین‌نامه و به طور خاص در فصل دوم آن، بر مقوله‌ی آموزش ضابطان دادگستری تمرکز شده است. می‌توان گفت مهم‌ترین هدف از برگزاری دوره‌های آموزشی از یک سو، ارتقاء دانش حقوقی و از سوی دیگر، آموزش مهارت‌های رفتاری از قبیل رعایت حقوق شهروندی و کرامت انسانی اشخاص است.

حال با وجود چاره‌اندیشی‌های صورت گرفته در عرصه‌ی تقنین، هر روزه بر شمار جرائم علیه حقوق شهروندی و کرامت انسانی افزوده می‌شود. از این رو، دغدغه‌ی پژوهش حاضر که همانا شناسایی عوامل نقض حقوق شهروندی از سوی ضابطان دادگستری و ارائه‌ی راهکارهای مناسب برای پیشگیری از ارتکاب این جرایم می‌باشد، در این نوشتار به رشته‌ی تحریر در آمده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نقض حقوق شهروندی توسط ضابطان عام دادگستری، ریشه در عوامل مختلف از جمله عدم آموزش بهینه دارد. از این رو، شاید مهم‌ترین اقدام پیشگیرانه در ساحت پیشگیری اجتماع‌مدار، آموزش نیروی انسانی باشد. این اقدام هرچند هزینه و زمان‌بر است، آثار بلندمدت قابل توجهی دارد.

بدین سان، در قالب تدابیر پیشگیرانه‌ی جامعه‌مدار، توسل به برنامه‌های آموزشی کارآمد و مفید جایگاه والایی دارد. آموزش در دو بازه زمانی پیش از خدمت و حین خدمت باید مورد توجه دست‌اندرکاران قرار گیرد. شایسته است تمامی ضابطان عام دادگستری پیش از استخدام در سازمان پلیس، دوره آموزشی چهارساله را در یکی از دانشگاه‌های علوم انتظامی سپری کنند تا با مفاهیم اولیه حقوق اساسی، حقوق جزا، آیین دادرسی کیفری؛ نحوه‌ی بازجویی و تهیه‌ی گزارش؛ مهارت‌های رفتاری و تنوع فرهنگی آشنایی کافی پیدا کند. همچنین با برگزاری دوره‌های آموزشی حین خدمت، ضابطان دادگستری به نحوی مداوم و مستمر در محیط‌های آموزشی قرار گیرند تا از یک سو، روحیه قانون‌مداری و رعایت حقوق شهروندی در آنها تقویت گردد و از سوی دیگر، همسو با تغییرات قوانین و صدور آراء وحدت رویه و نظریه‌های مشورتی، اطلاعات خود را به روز نمایند. لازم است در کنار آموزش مباحث نظری، آموزش‌های عملی به صورت برگزاری میزگردهای تحلیل پرونده‌هایی که موضوع آنها نقض حقوق شهروندی بوده است، ارائه گردد. در کنار آموزش قانون و حقوق شهروندی، آموزش اخلاق حرفه‌ای واجد اهمیت است، زیرا این امر سبب می‌گردد وجدان کاری در ضابطان دادگستری تقویت گردد، اصول برابری و بی‌طرفی را رعایت نمایند، از قدرت

خود سوء استفاده نکنند، شهروندمدار باشند و ارباب رجوع را تکریم نمایند و مهم‌تر آنکه شایسته‌سالاری، به عنوان یکی از نتایج توجه به اخلاق حرفه‌ای، سبب می‌گردد اشخاص لایق، نخبه و شایسته به شهروندان خدمت نمایند.

بدین ترتیب، با آموزش قانون، حقوق شهروندی و اخلاق حرفه‌ای به ضابطان عام دادگستری، می‌توان از ضابطان حرفه‌ای و مستقل، پلیس شهروندمدار و پلیس پاسخ‌گو صحبت کرد. در واقع مهم‌ترین نتایج حاصل از آموزش ضابطان دادگستری رعایت قانون، رعایت شاخص‌های دادرسی منصفانه، رعایت حقوق شهروندی و کرامت ذاتی شهروندان است.

در راستای رعایت بیش از پیش حقوق شهروندی توسط کنش‌گران عدالت کیفری دو پیشنهاد ارائه می‌گردد؛ نخست آن که شایسته است در منشورهای اخلاقی ضابطان دادگستری، به موارد ذیل تصریح گردد:

- حقوق بشر از کرامت ذاتی انسان‌ها ناشی می‌شود.
- ضابطان دادگستری باید همواره به قانون احترام بگذارند و بر اساس قانون عمل کنند.

- ضابطان دادگستری باید همواره وظایف خود را در چارچوب قانون و در راستای خدمت به عموم جامعه و حمایت از اشخاصی که تحت رفتارهای غیرقانونی قرار گرفته‌اند، انجام دهند.

- ضابطان دادگستری نباید مرتکب فساد شوند، بلکه خود همواره باید با فساد مقابله کنند.

- ضابطان دادگستری باید همواره به کرامت ذاتی انسان‌ها احترام بگذارند و از آن حمایت و حفاظت کنند.

- ضابطان دادگستری باید همواره موارد نقض قانون و آیین‌نامه‌هایی را که هدف آنها تضمین حقوق شهروندی است، گزارش نمایند.

- تمام ضابطان دادگستری باید به اصول قانونی بودن، ضرورت، عدم تبعیض و تناسب احترام بگذارند.

دوم آن‌که، جهت تسریع در رسیدن به این اهداف والا، پیشنهاد می‌گردد از یک سو، برنامه‌های پیشگیری از نقض حقوق شهروندی تهیه و تدوین گردد و از سوی دیگر، کمیته پیشگیری از نقض حقوق شهروندی در قوه قضائیه تشکیل شود تا با تدوین برنامه‌های پیشگیرانه، از نقض حقوق شهروندی پیشگیری به عمل آید.

منابع

- قرآن مجید

- آخوندی، محمود، (بهار ۱۳۹۴). آیین دادرسی کیفری، دفتر اول (کلیات و دعاوی ناشی از جرم). (چاپ هفدهم). تهران: انتشارات دوراندیشان.

- ابراهیمی، شهرام، (تابستان ۱۳۹۳). جرم‌شناسی پیشگیری. (چاپ سوم) تهران: نشر میزان.

- اردبیلی، محمدعلی؛ امیرارجمند، اردشیر؛ قاری سیدفاطمی، سید محمد؛ جاوید، محمد جواد (۱۳۸۶، بهار). چپستی و چرایی حقوق شهروندی؛ از نظریه تا قانون. مجله حقوقی دادگستری، ۵۸، ۲۴۰۴۶.

- امیرارجمند، اردشیر (۱۳۸۱، زمستان). سیاست‌های کلی نظام در پرتو اصل حاکمیت قانون و جمهوریت. مجله راهبرد، ۲۶، ۷۰-۹۲.

- بنانج، فاطمه، (۱۳۹۳). آموزش حقوق بشر و توسعه‌ی قضایی در ایران، در: اسلامی، رضا (و همکاران)، آموزش حقوق بشر برای صلح، شهروندی جهانی و ... (چاپ اول). تهران: انتشارات مجد.

- بنت، وین، هس، کارن ام. (۱۳۷۹، تابستان و پاییز). آموزش و تربیت کارکنان پلیس (قسمت اول) (مجید استرکی، مجید رضائی‌راد و اسماعیل صفری، مترجمان). فصلنامه دانش انتظامی، ۳۰۲، ۲۰۸-۲۱۷.

- بهرام زاده، حسین علی؛ سراج، شهرزاد (۱۳۸۶). نقش منابع انسانی در بهره‌وری و توسعه پایدار. مجله مدیریت، ۱۲۶ و ۱۲۵، ۲۲-۲۵.

- بیرانوند، رضا؛ کوشا، جعفر؛ هاشمی، حمید؛ رنجبر، بهرام (۱۳۸۹، پاییز). وظایف پلیس شهروندمدار در رعایت حقوق شهروندی متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی.

فصلنامه دانش انتظامی، ۴۸، ۲۰۳، ۲۴۴.

- پورطهماسبی، سیاوش؛ تاجور، آذر (۱۳۹۰)، پاییز و زمستان). حقوق و تربیت شهروندی در نهج البلاغه. پژوهشنامه علوی، ۲، ۱۰۲۳.
- جندلی، منون، (پاییز ۱۳۹۳). درآمدی بر پیشگیری از جرم (تعاریف، تاریخچه، رویکردها و دورنما) (: شهرام ابراهیمی، ترجمه و تحقیق). (چاپ اول). تهران: نشر میزان.
- حنیفی، بهناز (۱۳۹۰). نقش اخلاق حرفه‌ای در کاهش موارد اعمال حقوق کیفری اقتصادی (پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد). دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، تهران.
- دبیرزاده، الهه (۹۴-۱۳۹۳). جدال قدرت و آزادی در دادرسی های کیفری (رساله دکتری). دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، تهران.
- رحیمی نژاد، اسمعیل (۱۳۸۷). کرامت انسانی در حقوق کیفری(چاپ اول). تهران: نشر میزان.
- روبلسکی، هنری ام. و ام. هس، کارن (۱۳۹۲). پلیس و عدالت کیفری (مهدی مقیمی و فریده طه، مترجم). (چاپ اول) تهران: نشر علامت.
- شاهرخی، حسین؛ مرادی، هوشنگ (۱۳۸۴). حقوق شهروندی و کاهش جرائم. نشریه اصلاح و تربیت، ۴۷، ۲۹، ۳۳.
- صبوری پور، مهدی (۱۳۹۴). قاعده ی رد ادله در حقوق ایالات متحده و مقایسه ی آن با ضمانت اجراهای مشابه در حقوق ایران. آموزه های حقوق کیفری، ۹، ۱۲۹، ۱۵۴.
- صداقت، قاسم علی (۱۳۸۹). ویژگی های فقه اهل بیت (ع) و نقش آن در حمایت از حقوق شهروندی. نشریه معرفت، ۷، ۲۰، ۳۲.
- عالمی، مسعود (۱۳۸۷). کدهای اخلاقی: گام اول مهندسی فرهنگی کشور. مجله تدبیر، ۱۹۳، ۲۱، ۳۶.
- عبدی، فرزاد (۱۳۹۲). استاندارسازی رفتار ضابطان در نظام عدالت کیفری، در: بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت کیفری؛ فرصت‌ها و چالش‌ها، مجموعه مقاله‌ها

- (چاپ اول). تهران: نشر میزان.
- علم، محمود (گردآوری و ترجمه) (۱۳۸۴). دادگستری استاندارد در اسناد بین‌المللی (چاپ اول). تهران: نشر میزان.
- قاری سیدفاطمی، سید محمد (۱۳۸۹). حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر دوم (چاپ دوم). تهران: انتشارات شهردانش.
- کاظمی جویباری، مهدی (۱۳۸۸). قرائت جرم‌شناختی موازین دادرسی عادلانه (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، تهران.
- محمدنسل، غلامرضا (۱۳۹۱). پلیس و پیشگیری از جرم (ترجمه و تحقیق) (چاپ اول). تهران: نشر میزان.
- مرادی، مجید (۱۳۹۲). مبانی استانداردسازی رفتار و عملکرد مقامات پلیسی در نظام حقوقی شهروندمدار، در: بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت کیفری؛ فرصت‌ها و چالش‌ها، مجموعه مقاله‌ها (چاپ اول) تهران: نشر میزان.
- موسوی بجنوردی، سید محمد؛ مهریزی ثانی، محمد (۱۳۹۲، زمستان). حقوق شهروندی از نگاه امام خمینی (س). پژوهشنامه متین، ۶۱، ۱۰۲۴.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۲). درآمدی بر پژوهش در نظام عدالت کیفری: فرصت‌ها و چالش‌ها، در: بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت کیفری؛ فرصت‌ها و چالش‌ها، مجموعه مقاله‌ها (چاپ اول). تهران: نشر میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۸). رویکرد جرم‌شناختی «قانون حقوق شهروندی» (درباره رابطه‌ی آیین دادرسی کیفری با جرم‌شناسی)، در: مجموعه مقالات همایش حقوق شهروندی (چاپ اول). انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران: نشر گرایش.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۵، مهر). گفتگوی اختصاصی با مجله تعالی حقوق. مجله تعالی حقوق، ۱، ۱۳۰۳۰.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۳). پیشگیری عادلانه از جرم، در: مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری (چاپ اول). تهران: انتشارات سمت.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳). مباحثی در علوم

- جنایی(جامعه شناسی جرم)، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، بازیابی از: www.lawtest.ir.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، نجفی ابرندآبادی، علی حسین(سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹). تقریرات درس جرم‌شناسی، دوره کارشناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهیدبهشتی، نیم سال اول ، بازیابی از: www.lawtest.ir.
- نیازپور، امیرحسن (۱۳۹۳، بهار). اساسی سازی حقوق پیشگیری از جرم در ایران. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۶، ۹۱.۱۱۱.
- وروایی، اکبر؛ بهرامی‌پور، رسول؛ محمدی، همت (۱۳۹۳، پاییز). ضرورت آموزش ضابطین دادگستری و پلیس قضایی در تحقق عدالت کیفری و حفظ حقوق متهمین در نظام کیفری ایران. فصلنامه علمی پژوهشی آموزش در علوم انتظامی، ۳، ۹۳.۱۲۴.
- Haberfeld, M.R. (2012). "Introduction", in: Haberfeld et al., Police Organization and Training (Innovations in Research and Practice). New York: Springer.
- Solis, Carmen. (2008). Human Dignity/Human Rights and the Police: Training that Manifests Rule of Law Operations, in: K. Aromaa & R.Slawonir (Eds), For the Rule of law: Criminal Justice Teaching and Training across the World, European Institute for Crime Prevention and Control (affiliated with the United Nations).
- <http://www.fbiagentedu.org/fbi-requirements/>. Last visited: 1/30/2017.
- http://www.reinhardt.edu/working_adults/public-safety-institute/police-academy/Topics-of-Study.html. Last visited: 1/30/2017.